

## تعارض ظاهر و اصل عدم در حقوق تجارت و نحوه تشخیص تعهدات نماینده

امیرمحمد صدیقیان<sup>۱</sup>، فاطمه دهقانی فیروزآبادی<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup>عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد میبد

<sup>۲</sup>کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه آزاد اسلامی واحد میبد

### چکیده

یکی از مسائل پیچیده در ادله اثبات دعوا در حقوق اسلامی و حقوق موضوعه، مسئله تعارض اصل و ظاهر است. هرگاه ظاهر از ادله مشهور شرعی و امارات منصوب از سوی شارع باشد، مانند خبر واحد، شهادت و اقرار، در تقدم آن بر اصل تردیدی نیست؛ اما اگر ظاهر مستفاد از قرائن، عرف و عادت، غلبه و شیوع و امثال آن باشد، میان فقها و حقوق دانان در تقدم ظاهر یا اصل اختلاف است. پژوهش حاضر از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و فیش برداری از کتب و منابع متعدد تهیه و تنظیم گردیده است. یافته‌های ما در پژوهش حاضر حاکی از آن است که فقها در مقام تعارض اصل و ظاهر، ظاهر را بر اصل مقدم می‌دانند؛ باین‌وجود مصادیقی یافت می‌شود که در آن اصل بر ظاهر مقدم به ظاهری که مورد تأیید شارع است، می‌باشد. در این نوشتار مصادیق تعارض اصل و ظاهر، تقدم اصل بر ظاهر و تعهدات نماینده مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد.

**واژگان کلیدی:** اصل ظاهر، تعارض اصل، تعهدات نماینده، حقوق تجارت.

## مقدمه

از مسائل مهم و محوری حقوق تجارت که کمتر مورد توجه واقع شده تعارض ظاهر با اصل و در بحث نمایندگی، نحوه تشخیص تعهدات نماینده است. ظاهر به معنای ظن و علم عادی و اطمینان به واقع است که از راههای مختلفی ممکن است حاصل شود. منظور از علم عادی یا اطمینان، ظن معتبری است که برای هر انسان متعارفی به وجود آید به احتمال خلاف آن توجهی نمی کند هر چند احتمال ضعیفی هم برخلاف آن ظن وجود داشته باشد. منظور از اصل دلیلی است که برای فصل خصومت بکار می رود بدون اینکه درصدد کشف واقع باشد و یا موجب ظن به آن شود. اصل عدم بدین معناست که تا وجود چیزی ثابت نشود اصل بر عدم وجود آن بوده و برای اثبات عدم نیازی به دلیل و برهان نیست بلکه اثبات وجود هر چیز نیازمند دلیل است. در این پژوهش به دنبال رفع ابهام از تعارض ظاهر و اصل عدم در مباحث تجارتي و بررسی راهکارهای موجود برای حل این تعارض هستیم.

## مفهوم اصل عدم

عبارت است از حکم به عدم وجود چیزی بعد از شک در اینکه آیا علتی آن را پدید آورده است یا خیر؟ همه چیز از نیستی پا به عرصه هستی گذاشته و سابقه عدم زمانی دارند، پس برای پیدایش هر چیزی باید علتی وجود داشته باشد. از این رو گفته اند تا وجود چیزی ثابت نشود اصل بر عدم وجود آن بوده و برای اثبات عدم نیازی به دلیل و برهان نیست، بلکه اثبات وجود هر چیز نیازمند به دلیل است (ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی ۲۹۶)

## مفهوم تعهدات

تعهد در معنای لغوی یعنی وظیفه یا ضمانتی در مقابل کسی یا برای چیزی و خود را ملزم به انجام کاری دانستن. از آنجا که تعهد در ادبیات حقوقی فارسی معادل واژه obligation قرارداده شده، بهتر است همین واژه کانون مطالعه قرار گیرد. obligation واژه ای عام و برگرفته از ادبیات لاتین است که به تناسب متنی که در آن به کار رفته است معانی بسیار گسترده و متنوعی پیدا می کند.

## اصل عدم در حقوق تجارت

با بررسی اجمالی قانون تجارت و به طور خاص لایحه اصلاحی قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ در می یابیم که در مواد متعددی از اصل عدم به طور ضمنی استفاده شده است. ماده ۲۱ ل.ا.ق.ت: شرکت های سهامی خاص نمی توانند سهام خود را برای پذیره نویسی یا فروش در بورس اوراق بهادار یا توسط بانک ها عرضه نمایند و یا به انتشار آگهی و اطلاعیه و یا هر نوع اقدام تبلیغاتی برای فروش سهام خود مبادرت کنند مگر این که از مقررات مربوط به شرکتهای سهامی عام به نحوی که در این قانون مذکور است تبعیت نمایند. ماده ۲۲ ل.ا.ق.ت: استفاده از وجوه تادیه شده به نام شرکتهای سهامی در شرف تأسیس ممکن نیست مگر پس از به ثبت رسیدن شرکت و یا در مورد مذکور در ماده ۱۹.

## تعهدات نماینده در حقوق تجارت

قانون تجارت ایران هیچ گونه تعریفی از نمایندگی ارائه نداده است؛ در عین حال قانونگذار بدون آنکه متعرض مفهوم نمایندگی تجاری شود، مواد ۳۹۵ تا ۴۰۱ قانون تجارت را به قائم مقام تجاری و سایر نمایندگان تجاری اختصاص داده است. این مواد، عموماً مربوط به کسانی است که تحت امر یا به وکالت، از طرف صاحب تجارتخانه عمل می کنند؛ به عبارت دیگر، این مقررات بیانگر نوعی نمایندگی تجاری غیرمستقل است که در آن نمایندگان تحت امر، به نام و به حساب تجارتخانه مبادرت به عملیات تجاری می نمایند و از ذکر نمایندگان تجاری مستقل، خودداری می ورزد. در هر حال روشن نمودن مفهوم و ماهیت نمایندگی تجاری، ما را ناگزیر از مراجعه به قانون مدنی-به عنوان یکی از منابع مهم قانون تجارت- می سازد؛ و گو اینکه در قانون مدنی تعریفی از نمایندگی و قواعد و احکام آن دیده نمی شود، لیکن می توان از قسمت اخیر ماده ۱۹۶ این قانون، نظریه کلی

نماینده‌گی را استنباط کرد؛ زیرا کسی که معامله می‌کند، اگر هنگام انعقاد عقد سمت خویش را اعلام ننماید، باید بعد از انجام معامله بار اثبات این ادعا را که قرارداد به نمایندگی منعقد گردیده به دوش کشد.

### نظریه نمایندگی ظاهری در حقوق ایران

نماینده‌گی ظاهری به نمایندگی نماینده ای اطلاق می‌شود که حقیقتاً و واقعاً در مورد معامله ای که انجام می‌دهد، نمایندگی (اختیار) ندارد اما اشخاص ثالث با حسن نیت بنا به ظاهری که ظهور در نمایندگی داشته و منتسب به اصیل است او را نماینده تلقی کرده و به همین اعتبار با او معامله می‌کنند (حاجیان، ۱۳۸۶: ۲۰۹). در چنین وضعی نظریه نمایندگی ظاهری با متعهد و مسئول دانستن اصیل از شخص ثالث با حسن نیت حمایت کرده و از ورود ضرر به او جلوگیری می‌کند.

### بررسی نمایندگی در قانون تجارت

مفهوم و ماهیت حقوقی نمایندگی تجاری: قانون تجارت ایران هیچگونه تعریفی از نمایندگی ارائه نداده است و قانونگذار مواد ۳۹۵-۴۰۱ ق.ت را به قائم مقام تجاری و سایر نمایندگان تجاری اختصاص داده است. با مراجعه به ق.م هم در می‌یابیم که تعریفی از نمایندگی و قواعد و احکام در آن دیده نمی‌شود لیکن می‌توان از قسمت اخیرم ۱۹۶ این قانون "نظریه کلی نمایندگی" را استنباط کرد زیرا کسی که معامله می‌کند اگر هنگام انعقاد عقد سمت خویش را اعلام نماید باید بعد از انجام معامله بار اثبات این ادعا را که قرارداد به نمایندگی منعقد گردیده به دوش کشید.

### مقررات مربوط به قائم مقام تجاری

قائم مقام در لغت به معنای جانشین و نائب است. قائم مقام تجاری نماینده رئیس تجارتخانه بوده و در انجام کلیه امور مربوط به تجارتخانه یا شعبه آن نسبت به مورد می‌تواند این نمایندگی را اعمال نماید؛ بنابراین در انجام معاملات قبول تعهدات یا تنظیم اسناد و خلاصه در انجام اموری که مربوط به امور تجاری می‌باشد دارای اختیارات کامل می‌باشد (حسنی، ۱۳۸۵، ۵۹۶).

### بررسی اعتبار محدودیت اختیارات مدیران و مدیرعامل شرکت های سهامی؛

#### رویه قضایی

بنا به یک نظر مقررات مربوط به حدود اختیارات مدیران شرکت های سهامی و انتصاب آنها براساس تئوری وکالت ظاهری توجیه می‌شوند (دمرچیلی، ۱۳۸۱: ۲۰۲) منظور از مدیران در این ماده هیئت مدیره می‌باشد و مدیرعامل را در بر نمی‌گیرد؛ چرا که حدود اختیارات مدیرعامل در ماده ۱۲۵ ذکر شده است. نکته دیگری که باید به آن توجه داشت این است که ماده ناظر بر هیئت مدیره است نه تک تک اعضای هیئت مدیره. قانون گذار برای تأمین امنیت معاملات اشخاص ثالث با حسن نیت و تسریع در شکل گیری آنها با توجه به موقعیت ظاهری قابل اعتمادی که شرکت تجاری در مورد مدیران (هیئت مدیره) به وجود آورده به اشخاص ثالث با حسن نیت حق داده که تصور آنها دال بر اختیارات تام البته با محدودیت هایی تصور درستی باشد، ولو آنکه دلایل دیگری دال بر تحدید این اختیارات موجود باشند و بعداً ارائه شوند.

### تحلیل و نقدی بر ماده ۱۱۸ و ۱۲۱ لایحه اصلاحی قانون تجارت

امروزه اشخاص ثالثی که با مدیران شرکتهای تجاری و مدنی که در مقام نماینده شرکت می‌باشند نسبت به انعقاد عقد مبادرت می‌نمایند از حیث احقاق حقوق خود با مشکل مواجه می‌باشند یعنی از جهت اینکه شرکت را طرف دعوی قرار دهند یا مدیران را، دچار سردرگمی هستند. حال در این صورت وقتی مدیران در مقام نماینده موارد مقرر شده قانونی و قراردادی فیما بین خود و شرکت را رعایت کرده باشند چنین عقدی صحیح و نافذ خواهد بود. لذا شخص ثالث علیه شرکت طرح دعوی خواهد کرد در غیر این صورت ماهیت عقد فضولی خواهد بود و امکان مراجعه به شرکت نیست. البته همیشه اینگونه نیست یعنی بعضاً قانون برای حمایت حقوق اشخاص ثالث اقدام می‌کند و حتی در صورت عدم رعایت موازین قانونی از سوی مدیران،

شخص ثالث می تواند همچنان به شرکت مراجعه نماید. به هر ترتیب با بررسی ماهیت عقود منعقد شده از سوی مدیران با اشخاص ثالث تکلیف اشخاص ثالث مشخص خواهد شد تا به چه شخص یا اشخاص جهت احقاق حق خود مراجعه نمایند و در صورت فصولی بودن عقد و عدم رعایت موازین از سوی مدیر مسئولیت مدیر در قبال اشخاص ثالث و همچنین شرکت نیز مشخص خواهد گردید.

### انجام معامله از سوی مدیران در صورت ذکر سمت مدیران و در صورت عدم ذکر سمت اثبات معامله برای شرکت

مدیران شرکتهای تجاری نمایندگان قانونی شخص حقوقی هستند و بنام و حساب شرکت تجاری به انجام معاملات می پردازند، اما از آنجا که مدیران شرکتهای تجاری برای خود نیز به معاملات و انجام سایر اعمال حقوقی می پردازند، لذا بایستی در مواردی که به نمایندگی از سوی شرکت عمل می کنند سمت خود را صریحاً قید نمایند تا اعمال حقوقی که مربوط به خود آنهاست از اعمال حقوقی که به حساب شرکت انجام می دهند جدا گردد و معامله برای شرکت واقع گردد؛ به عبارت دیگر چنانچه مدیران در هنگام انعقاد قرارداد تصریح نمایند که معامله را به سمت نمایندگی از سوی شرکت تجاری، برای او واقع می سازند، معامله برای شرکت واقع می شود و او را مسئول می سازد؛ که مستند آن ماده ۱۹۶ قانون مدنی است که بیان می دارد: کسی که معامله می کند آن معامله برای خود آن شخص محسوب است مگر اینکه در موقع عقد خلاف آن را تصریح کند یا بعد خلاف آن ثابت شود.

### انجام معامله از سوی تمامی مدیران مجاز

ممکن است در شرکتهای تجاری اداره شرکت به دو یا چند نفر از مدیران واگذار شود و به عبارت دیگر برای شرکت مدیران متعدد انتخاب گردد. در این صورت کلیه تعهدات و معاملات بایستی از سوی تمامی مدیران مجاز انجام شود. چرا که در کلیه شرکتهای تجاری در صورتی که مدیران متعدد باشند، اعمال نمایندگی باید بصورت جمعی باشد و هیچ یک از اعضای هیأت مدیره حق ندارد آن را بطور فردی اعمال کند مگر در مواردی که از سوی هیأت مدیره دارای نمایندگی یا وکالت باشد.

### پیشینه

۱. زبرجد، زهرا (۱۳۹۳) در کتاب خود تحت عنوان "حقوق نمایندگی تجاری" در بخش اول به تبیین کلی نمایندگی تجاری اعم از تعاریف، اوصاف و انواع آن پرداخته و در بخش دوم در دو فصل به تحلیل آثار و احکام نمایندگی تجاری پرداخته است.
۲. زینالی، علی، (۱۳۹۹) در کتابی تحت عنوان "ماهیت حقوقی نمایندگی در ایران (مدنی-تجاری)" به تمییز نمایندگی تجاری از نمایندگی مدنی، مصادیق نمایندگی تجاری و انواع آن، انحلال نمایندگی تجاری و تعهدات و مسئولیت های نماینده تجاری در برابر اصیل پرداخته است.
۳. دهقانی فیروزآبادی، احمد، (۱۳۹۵) در مقاله خود با موضوع "اصل عدم و کاربرد آن در استنباط احکام" به اصل عدم، تفاوت آن با استصحاب عدمی، چرایی تعارض بین اصول مختلفه از جمله اصل صحت، اصل لزوم و ظاهر را بیان کرده و در پایان مقاله به ذکر نمونه هایی از آرای فقها در بحث معاملات و تقدم اصل بر ظاهر پرداخته است.

### روش شناسی تحقیق

این تحقیق بصورت فیش برداری (نکته برداری از مقالات و کتابهای متعدد و همچنین سایتهای مختلف) جمع آوری شده است.

### فرضیه ها

فرضیه اصلی: به نظر می رسد باتوجه به اینکه ظاهر ظنی ست که از راه اماره قضایی بدست می آید و معمولاً مطابق با طبیعت امور است و همچنین با ذکر این نکته که نظریات مشهور فقهی تقدم ظاهر بر اصل را تایید میکنند در موارد تعارض و بروز

اختلاف در بحث نمایندگی های تجارتي هم باید ظاهر را بر اصل مقدم دانست. فرضیه فرعی: به نظر میرسد باتوجه به اینکه در قانون تجارت در رابطه با قوانین پایه و کلی مرتبط با نمایندگی تجاری سخنی به میان نیامده و احکام عقد وکالت جزو شبیه ترین قواعد به بحث نمایندگی تجاری ست می توانیم احکام وکالت را حاکم بر این مبحث هم بدانیم.

### گفتار اول: مسئولیت مدیران شرکتهای سهامی در قبال انجام معاملات

لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ مدیران را نمایندگان شخص حقوقی می داند. از مواد ۱۰۷ و ۱۱۸ لایحه قانونی مذکور بخوبی مستفاد می شود که هیأت مدیره نمایندگان شخص حقوقی هستند نه نمایندگان صاحبان سهام و مدیران در حدود موضوع شرکت در چهارچوب اساسنامه و مصوبات مجامع عمومی بنام و بحساب شرکت اعمال حقوقی انجام داده و از این جهت رابطه بین مدیر با شرکت یک رابطه قراردادی است و همانطور که قبلاً بیان شد بیشتر در قالب نظریه رکن یا نمایندگی ارگانیک تحلیل می شود.

اما ماده ۱۱۸ ل.ا.ق.ت، ضمن بیان اصل تام بودن اختیارات هیأت مدیره، در عین حال حقوق اشخاص ثالث طرف معامله با شرکت را بخوبی در نظر گرفته است. قسمت اخیر ماده ۱۱۸ مقرر می دارد: محدود کردن اختیارات مدیران در اساسنامه یا به موجب تصمیمات مجامع عمومی فقط از لحاظ رابطه بین مدیران و صاحبان سهام معتبر است و در مقابل اشخاص ثالث باطل و کأن لم یکن است؛ بنابراین ملاحظه می شود که علیرغم اینکه ماده ۱۱۸ اصل تام بودن اختیارات هیأت مدیره را بیان نموده است این امکان وجود دارد که اختیارات وسیع مدیران به موجب اساسنامه یا تصمیمات مجامع عمومی محدود گردد ولی همچنان که اشاره شد این محدودیتها فقط در روابط بین مدیران و صاحبان سهام معتبر است و در مقابل اشخاص ثالث باطل و کأن لم یکن است؛ اما چنانچه در اساسنامه یا به موجب تصمیمات مجامع عمومی اختیارات تام مدیران محدود گشته باشد. مدیران ملزم به رعایت آن محدودیتها هستند؛ بنابراین اگر هیأت مدیره ناچار باشد که خارج از حدود و اگر هیأت مدیره اختیارات خود عمل نماید باید نسبت به جلب موافقت مجمع عمومی اقدام نماید. بدون جلب موافقت مجمع عمومی نسبت به آن اقدام نماید به استناد ماده ۱۱۸ ق.ت آن معامله در مقابل اشخاص ثالث نافذ و معتبر است و شرکت نمی تواند در مقابل اشخاص ثالث به محدودیت اختیارات مدیران خود استناد نماید و ملزم به انجام تعهد می باشد ولیکن پس از اجرای قرارداد، شرکت حق خواهد داشت در صورتی که به شرکت یا سهامداران ضرر وارد شده باشد، جبران آن را از مدیران مطالبه کند و اعضای هیأت مدیره بنا به مسئولیت قراردادی در مقابل شرکت مسئول میباشند و شرکت و سهامداران می توانند مطابق قواعد حاکم بر مسئولیت قراردادی جبران خسارت وارده را مطالبه نمایند؛ اما همانطور که بیان شد مسئولیت هیأت مدیره در مقابل شرکت و سهامداران مسئولیت قراردادی و از نوع تعهد به وسیله است؛ بنابراین شرکت بایستی تقصیر مدیران، ورود خسارت و رابطه سببیت بین این دو را اثبات کند.

همچنین چنانچه به اشخاص ثالث خسارت وارد شده باشد هیأت مدیره باید پاسخگو باشد که مستند آن ماده ۱۴۲ لایحه اصلاحی قانون تجارت است که مقرر می دارد: مدیران و مدیر عامل شرکت در مقابل شرکت و اشخاص ثالث نسبت به تخلف از مقررات قانونی یا اساسنامه شرکت و یا مصوبات مجامع عمومی برحسب مورد منفرداً یا مشترکاً مسئول می باشند و دادگاه حدود مسئولیت هر یک را برای جبران خسارت تعیین خواهد کرد؛ اما همانطور که قبلاً هم بیان شد، مسئولیت مذکور درباره ۱۴۲ از نوع مسئولیت قهری است؛ به عبارت دیگر مسئولیت هیأت مدیره در مقابل اشخاص ثالث از نوع مسئولیت قهری است. چرا که در واقع ریشه این مسئولیت پیمان بین او و زیان دیده نیست و اشخاص ثالث بخواهند به مدیران مراجعه نمایند باید ارکان سه گانه مسئولیت قهری را ثابت نمایند یعنی باید وجود ضرر، فعل زیانبار و وجود رابطه علیت بین ضرر و فعل زیانبار مدیران را اثبات نمایند.

### گفتار دوم: رعایت موضوع شرکت

یکی از محدودیتهایی را که قانونگذار برای مدیران در اداره امور شرکت در نظر گرفته است. رعایت موضوع شرکت است. چرا که اقدامات و تصمیمات مدیران در مقابل اشخاص ثالث در صورتی معتبر است که در حدود موضوع شرکت باشد. این قاعده با

این منطق حقوقی منطبق است که مدیران نمی توانند بیشتر از شرکت دارای حق باشند؛ بنابراین لازم است که موضوع شرکت بطور صریح و روشن در اساسنامه ذکر گردد و فایده این امر آن است که حدود اختیارات مدیران از لحاظ موضوع شرکت روشن است. از این حیث در برخی کشورها مثل آمریکا یا انگلستان در موقع تأسیس شرکت موضوع آن بطور وسیع تحت شماره های مختلف تعیین می کنند ولی در بعضی کشورها مثل ایران و فرانسه موضوع شرکت را بطور کلی تعیین می کنند تا شرکت در عملیات خود محدودیتی نداشته باشد. در کلیه شرکتهای تجاری مدیران اعم از هیأت مدیره و مدیر عامل حق ندارند در مورد مسائلی که خارج از موضوع شرکت باشد اقدام و اتخاذ تصمیم نمایند. دلیل این امر جلوگیری از سوء استفاده از اختیارات مدیران و احياناً تضرر سهامداران بوده است؛ زیرا موضوع شرکت که همان هدف اصل شرکت را تشکیل می دهد و سهامداران برای تحقق آن هدف در شرکت سرمایه گذاری می کنند از هر لحاظ حائز اهمیت بوده و اشخاص ثالث نیز با توجه به موضوع شرکت با شرکت قرارداد تنظیم و سایر اعمال حقوقی را انجام می دهند.

بنابراین در کلیه شرکتهای تجاری، چنانچه تصمیمات و اقدامات مدیران خارج از موضوع شرکت باشد، شرکت را متعهد نمی سازد و مدیر شخصاً در مقابل اشخاص ثالث مسئول است و اشخاص ثالث بایستی به مدیر مراجعه کنند اما مسئولیت مدیر در اینجا مسئولیت مدنی غیر قراردادی است چرا که قرارداد مزبور باطل است چون مدیر قرارداد را با قصد نیابت از طرف شرکت منعقد کرده و حال که شرکت قرارداد را تنفید نکرده قرارداد باطل است و چون قراردادی وجود ندارد در نتیجه مسئولیت مدیر، مسئولیت مدنی غیر قراردادی است. همچنین هر یک از شرکاء و یا کسانی که با شرکت معامله کرده اند میتوانند ابطال عملیات مزبور را تقاضا کنند چرا که شرکت در خارج از موضوع فعالیت خود فاقد صالحیت و اهلیت قانونی است و لذا قرارداد مزبور باطل است.

#### گفتار سوم: انجام معامله از سوی مدیران در صورت عدم ذکر سمت مدیران و یا عدم اثبات معامله برای شرکت

ماده ۱۹۶ ق.م بیان می دارد: کسی که معامله می کند آن معامله برای خود آن شخص محسوب است مگر اینکه در موقع عقد خلاف آن را تصریح کند و یا بعد خلاف آن ثابت شود. قبلاً هم اشاره شد، با توجه به اینکه مدیران شرکتهای تجاری برای خود نیز به معاملات و انجام سایر اعمال حقوقی می پردازند لذا بایستی در مواردی که به نمایندگی از سوی شرکت عمل می کنند سمت خود را صریحاً قید کنند تا اعمال حقوقی که مربوط به خود آنهاست از اعمال حقوقی که به حساب شرکت انجام دهند جدا گردد و معامله برای شرکت واقع گردد.

اما اگر مدیر شرکت در هنگام معامله سمت خود تصریح ننماید تعهدات ناشی از عقد بر دوش مدیر است و اوست که باید پاسخگو باشد چون قصد باطنی که به نحوی اعلان نشده باشد در عالم حقوق اعتباری ندارد و اراده باطنی تا زمانی که اعلام نشده و جنبه بیرونی نیافته است، اثر حقوقی ندارد؛ اما اگر مدیر شرکت در هنگام معامله سمت خود را تصریح ننماید ماده ۱۹۶ ق.م مقرر میدارد که بعد از قرارداد نیز می توان در برابر طرف معامله سمت نمایندگی را ثابت نمود؛ اما در خصوص تفسیر این ماده همانطور که بیان کرده ایم اختلاف نظر وجود دارد:

برخی از حقوقدانان معتقدند با توجه به ماده مذکور مدیر بعد از قرارداد نیز می تواند در برابر طرف معامله ثابت کند که قصد معامله برای شرکت را داشته و بدین ترتیب خود را موظف به اجرای قرارداد نداند و شرکت ملزم به اجرای قرارداد باشد؛ اما بعضی دیگر از حقوقدانان معتقدند مدیر شرکت باید در هنگام عقد قرارداد، طرف قرارداد را از قصد خود مطلع کند و در غیر این صورت بعداً نمی تواند اصلی بودن خود را در برابر طرف معامله ثابت نماید چون قصد باطنی که به نوعی اعلام و ابراز نشود مؤثر نیست.

این گروه معتقدند مدیر و شرکت می تواند در برابر همدیگر قصد اقدام و یا عدم اقدام به عنوان مدیریت شرکت و معامله برای خود یا شرکت را اثبات نماید ولی عبارت ماده ۱۹۶ تب این تفسیر را ندارد که بر رابطه دو طرف معامله نیز حکومت کند. بدین معنی که اگر یکی از دو طرف بتواند اثبات کند که به نمایندگی اقدام کرده است، معامله برای اصیل واقع شود و او بتواند از اجرای تعهدهایی که بر دوش گرفته است بگریزد چرا که این امر از طرفی با اصل آزادی قراردادهای و لزوم حفظ امنیت در معاملات منافات دارد و از طرف دیگر چون توافق بر این مبنا قرار گرفته است که نماینده ادعایی به عنوان طرف اصلی عقد،

پاسخگوی تعهدهای ناشی از آن باشد نمی توان او را به استناد قصد باطنی که در تراضی طرفین نیامده است معاف از انجام تعهد دانست؛ بنابراین قصد انجام معامله برای دیگری، اگر در تراضی نیاید، اثری در عقد ندارد و تعهد ناشی از آن را از بین نمی برد.

حتی بر فرض اینکه مدیر ثابت نماید که برای شرکت و از جانب شرکت قرارداد منعقد کرده هر چند شرکت مسئول است، اما نافی مسئولیت مدیران نیست. چرا که در هر عقد دو طرف پای بند به قصد مشترک و توافق خود هستند نه آنچه هر یک در باطن خود می خواسته است.

بنابراین ماده ۱۹۶ را باید بگونه ای تفسیر کرد که اثبات نمایندگی به حقوق طرف قرارداد صدمه نزند و تعهد کسی را که مباشر در انعقاد آن بوده است از بین نبرد. همانطور که قبلاً هم بیان شد به نظر می رسد نظر صحیح همین نظر باشد و مدیر باید در هنگام معامله طرف قرارداد را از قصد خود مطلع کند و در غیر این صورت بعداً نمیتواند اصیل بودن خود را در برابر طرف معامله ثابت کند و از طرف دیگر پیشینه تاریخی این بحث در فقه امامیه و همچنین ملاک سایر قوانین نیز با تأثیر نیابتی که در عقد پنهان مانده مخالفت دارد؛ بنابراین با توجه به نظر اخیرالذکر به نظر می رسد مدیر پس از قرارداد نمی تواند در برابر طرف معامله ثابت نماید که قصد معامله برای شرکت را داشته و در نتیجه بایستی مدیر شخصاً پاسخگو باشد و تعهدات برای او ایجاد میگردد؛ به عبارت دیگر مدیران بایستی در هنگام معامله برای شرکت و از جانب شرکت سمت خود را تصریح نمایند والا چنانچه در هنگام معامله سمت خود را تصریح نمایند بعداً نیز نمیتوانند اصیل بودن خود را ثابت کنند و در نتیجه بایستی شخصاً پاسخگو باشند و طرف قرارداد بایستی به خود مدیران برای اجرای قرارداد رجوع نماید. همانطور که بیان شد حتی بر فرض اینکه مدیر ثابت نماید که برای شرکت و از جانب شرکت قرارداد منعقد کرده هر چند شرکت مسئول است اما نافی مسئولیت مدیران نیست و مدیران همچنان مسئول هستند. در رابطه با انجام معامله از سوی بعضی از مدیران و نه همه آنها باید گفت چنانچه در شرکتهای تجاری مدیران متعدد وجود داشته باشد در این صورت کلیه تعهدات و معاملات بایستی از سوی تمامی مدیران مجاز انجام شود. چرا که در کلیه شرکتهای تجاری اعمال نمایندگی باید به صورت جمعی باشد؛ بنابراین معاملاتی که برای شرکتهای تجاری انجام می شود در صورتی برای شرکت ایجاد مسئولیت می نماید که آن معامله از سوی تمامی مدیران مجاز انجام گردد. از سوی دیگر مدیران متعدد در حکم وکلای متعدد هستند و همانطور که گفته شد به استناد ماده ۶۶۹ ق.م اصل این است که هیچ یک از آن ها نمیتواند بدون دیگری یا دیگران دخالت در اموال شرکت بنماید.

اگر یکی از مدیران مستقلاً با اشخاص ثالث به نام و حساب شرکت معامله کرده باشد، در حالی که چنین اختیاری را نداشته است، معامله به شرکت راجع نیست و خود مدیر بایستی شخصاً جوابگو باشد؛ به عبارت دیگر در کلیه شرکتهای تجاری اعمال نمایندگی بایستی به صورت جمعی باشد و لذا اگر یکی از مدیران به تنهایی و مستقلاً به نام و حساب شرکت با اشخاص ثالث معامله کند بایستی شخصاً جوابگو باشد و شرکت مسئولیتی در قبال این معامله ندارد، چرا که مسئولیت شرکت در صورتی ایجاد می گردد و در صورتی شرکت بایستی پاسخگو باشد که انجام معامله از سوی تمامی مدیران مجاز انجام گردد. البته در این خصوص در شرکت سهامی دونظر وجود دارد:

از یک سو رویه قضایی اصل استقلال امضاءها را بیان میدارد که بر اساس این اصل، هر امضایی باید مستقل از سایر امضات در نظر گرفته شود و به بیان دیگر هر امضاء به طور مستقل و بدون توجه به سایر امضاءها بیانگر تعهد امضاء کننده است، لذا بر این اساس در شرکت سهامی، شرکت با امضاء هر یک از مدیران، دارندگان حق امضاء متعهد می شود. از سوی دیگر گروهی از حقوقدانان معتقدند که اختیارات مقرر در ماده ۱۱۸ لایحه اصلاحی قانون تجارت، برای فرد اعضای هیأت مدیره پیش بینی نشده است بلکه برای مجموع هیأت مدیره در نظر گرفته شده است. لذا قراردادهایی که مدیران برای شرکت انجام می دهند بایستی از سوی همه دارندگان حق امضاء، امضاء گردد تا معامله برای شرکت واقع شده و برای او ایجاد مسئولیت نماید اما به نظر می رسد، نظر صحیح در خصوص شرکت سهامی، همان نظر گروه دوم باشد چرا که قانونگذار در لایحه قانونی ۱۳۴۷ به اداره جمعی شرکت به وسیله مدیران جنبه قانونی داده است و پیش بینی کرده است که اداره شرکت سهامی به عهده هیأت مدیره است. لذا از استفاده قانونگذار از کلمه هیأت مدیره اینگونه برداشت می شود که بایستی مدیران به صورت جمعی عمل کنند تا شرکت متعهد گردد.

## نتیجه گیری

با توجه به آنچه تا کنون به آن پرداخته ایم در شرکت سهامی به نظر می رسد در معاملاتی که مدیران انجام می دهند شرکت مسئول است با فرض جمع شرایط ذیل:

۱. مدیران زمانی به انجام معامله برای شرکت بپردازند که شرکت واجد شخصیت حقوقی است.
  ۲. انجام معامله از سوی مدیران در صورت ذکر سمت مدیران و در صورت عدم ذکر سمت اثبات معامله برای شرکت
  ۳. انجام معامله از سوی تمامی مدیران مجاز
  ۴. انجام معامله از سوی مدیران غیر معزول یا غیر مستعفی و یا در صورت معزول یا مستعفی مراتب به اداره ثبت شرکتها اعلام نشده باشد.
  ۵. صرف رعایت موضوع شرکت بدون رعایت حدود اختیارات، چرا که شرکتهای سهامی و تعاونی از آن نوع شرکتهایی هستند که قانونگذار صرف رعایت موضوع شرکت را به هنگام وقوع معامله جهت مسئول شناختن شرکت کافی می داند، هر چند مدیران به هنگام وقوع معامله حدود اختیارات تفویضی از ناحیه شرکت را رعایت نمایند.
- اما بدیهی است اگر شرکت در معاملات انجام یافته مسئول نباشد مدیر مسئول است اما مدیران دو گونه مسئولیت دارند:

۱. مسئولیت مستقیم
  ۲. مسئولیت غیرمستقیم
- مسئولیت غیرمستقیم عبارت است از رجوع شرکت یا سهامداران یا اعضاء به مدیران پس از اینکه طرف معامله حقوق خود را از شرکت مطالبه کرده که مسئولیت غیرمستقیم مدیران شرکت سهامی قراردادی و از نوع تعهد به وسیله است. لذا اثبات تقصیر مدیر متخلف و ورود خسارت و رابطه علیت بین این دو بر عهده شرکت است؛ اما در خصوص مسئولیت غیرمستقیم مدیران شرکت تعاونی باید گفت که همانطور که قبلاً هم اشاره کردیم مسئولیت هیأت مدیره در مقابل شرکت مسئولیت وکیل در مقابل موکل است. لذا بایستی مدیران در معاملات خود غبطه و مصلحت شرکاء را رعایت نمایند و چنانچه این موضوع را رعایت ننمایند شرکت باید معامله را قبول کند ولی چنانچه از آن جهت ضرری به شرکت وارد شد شرکت می تواند از مدیر خاطی خسارت خود را مطالبه کند و مسئولیت مدیر نیز از نوع مسئولیت مدنی غیر قرار دادی است.

## پیشنهادهای

۱. بهتر است در جاهایی که قرار است مدیر را مسئول بدانیم به جهت حفظ حقوق اشخاص ثالث و شرکت برای مدیر فرض تقصیر قرار دهیم تا شرکت و اشخاص ثالث از اثبات تقصیر که سخت می باشد رهایی یابند.
۲. پیشنهاد می گردد که علاوه بر شرکت، مدیر نیز تاجر قلمداد گردد تا در موارد لزوم با ورشکسته اعلام کردن مدیر حقوق اشخاص ثالث بهتر و بیشتر تأمین گردد.
۳. بهتر است در جهت حفظ حقوق اشخاص ثالث حتی در فرضی که مدیران به هنگام انعقاد قرارداد موضوع شرکت را رعایت نمایند شرکت را مسئول بدانیم.

## منابع

۱. اعتبار صحت ظاهری در حقوق تجارت (بحثی در حقوق ایران و فرانسه)، صقری محمد، بهار، ۱۳۹۰ شماره ۵۳ از ۸۹ تا: ۱۱۴
۲. اعتبار محدودیت اختیارات مدیران و مدیرعامل شرکتهای سهامی؛ نقد رویه قضایی. صادقی نشاط امیر. شعبانی کندسری هادی. پژوهشنامه بازرگانی. پاییز. ۱۳۹۵ شماره ۸۰ از ۷۳-۴۵
۳. نظریه نمایندگی ظاهری در حقوق ایران با رویکرد تطبیقی به حقوق خارجی. پورارشاد نادر. اسکینی ربیعا. نشریه نامه مفید. اسفند. ۱۳۸۹ شماره ۸۲ از ۲۴-۳
۴. اصل عدم و کاربرد آن در استنباط احکام. دهقانی فیروزآبادی احمد. بهمن ماه. ۱۳۹۵ سومین همایش ملی حقوق
۵. بررسی مصادیق تعارض اصل و ظاهر در فقه و حقوق. فهیمی عزیزا. زندوکیلی محمدرضا. بهار. ۱۳۹۰ شماره ۷۳ صفحات ۱۱۱-۸۳
۶. بررسی تطبیقی نظریه نمایندگی ظاهری. امینی منصور، عبدی مونا. نشریه حقوقی دادگستری. زمستان. ۱۳۹۳ شماره ۸۸ صفحات ۹۰-۶۳
۷. تعارض اصل و ظاهر. قنواتی جلیل، جعفری اسماعیل. نشریه پژوهشنامه اندیشه های حقوقی. تابستان. ۱۳۹۱ شماره ۲. صفحات ۱۶۷-۱۴۴
۸. ماهیت حقوقی نمایندگی تجاری و مصادیق آن در حقوق ایران. احمدی سجادی سیدعلی. نشریه مجتمعا آموزش عالی قم. بهار. ۱۳۷۸ شماره ۱ از ۹۶-۷۳
۹. نمایندگی تجاری. نعیمی عمران. فصلنامه حقوق. مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی. دوره ۴۰ شماره ۱. بهار. ۱۳۸۹ صفحات ۳۵۵-۳۳۵
۱۰. نقدی بر ماده ۱۱۸ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ عرفانی محمود. دوره ۲۴ شماره پیاپی. ۱۱۶۰ پاییز ۱۳۶۸
۱۱. ارزیابی ماده ۱۱۸ لایحه اصلاحی قانون تجارت و بررسی حدود اختیارات مدیران شرکت در انجام معاملات. کلایی محبوبه. پایان نامه برای دریافت مدرک کارشناسی ارشد.
۱۲. کالبدشکافی مفهوم تعهد. مجموعه مقالات همایش ملی تجلیل از دکتر لنگرودی. دیلمی احمد.
۱۳. ماهیت حقوقی نمایندگی تجاری و مصادیق آن در حقوق ایران. احمدی سجادی سیدعلی. مجله مجتمعا آموزش عالی قم. سال اول، شماره اول، زمستان. ۷۷